



عبدالاحمد فیض  
عضو هیئت تحریر ا.ح.ا.

## کابل در اسارت تهمذات کاذب اسلام آباد

جنگ که علیه استقلال، حاکمیت و امنیت افغانستان از دهه ها بدینسو بیرون از مرزهای ملی کشور ما طراحی و بوسیله مخوف ترین گروه های دهشت افکن و تروریستی به قیمت جان میلیون ها افغان و ویرانی کشور ما به اجرا گذاشته میشود، بانیات و اهداف معینی گره میخورد که در محور مقاصد تجاوز کارانه ژئوپولیتیک پاکستان قرار داشته و سیاست ضد افغانی آن کشور بر مبنای آن پایگذاری گردیده است. این استراتژی که با اهداف و منویات سلف آن یعنی استعمار شباهت دارد، وجود یک افغانستان آزاد، مرفه و قدرتمند را در همسایگی خود بزیان منافع ملی و بقای کشوری میداند که بصورت غیرطبیعی در سال (۱۹۴۷) م وارد نقشه سیاسی جهان گردید. لذا طرز تفکر حاکم در انسوی خط تحمیلی دیورند، وجود یک افغانستان مقتدر با داشتن جایگاه و نقش مؤثر سیاسی، دیپلماتیک و بازیگر فعال در عرصه همگرایی منطقوی را منتفی و انرا فکتوری به فرجام خود کما مگیا، کاهش اقتدار و نفوذ منطقوی و نیز عامل برچیدن کانونهای شرارت و دهشت میخواند که پاکستان از آنها بمتابه ابزار زور و اسباب تجاوز و دخالت علیه کشورهای همسایه و حاکمیت های مستقل کشور ما استفاده مینماید. فلذا اسلام آباد بمنظور دستیابی به نیات و مقاصد جنون آمیزش از هیچگونه ویرانگری در تمام مراحل بحران کشور ما دریغ نورزیده و بوضوح به اثبات رسانیده است که آن کشور هیچگاهی از منافع که روی آن سرمایه گذاری نموده و آن عبارت از فروپاشی کامل حاکمیت ملی افغانستان، تجزیه و یا تحمیل یک نظام مزدور با شد دریغ نخواهند ورزید. همین اکنون این کانون دهشت و توحش و متحد دروغین ائتلاف جهانی ضد تروریسم میزبانی هزاران شبه نظامیان مزدور را از کشورهای مختلف بدوش دارد که بعد از آموزش ترور و وحشت در مراکز تربیت تروریستی مستقر در قلمروان کشور صرفاً به هدف قتل و کشتار غیرنظامیان و تضعیف حاکمیت افغانستان فرستاده میشود. پاکستان علی الرغم ویرانیها و صدمات جبران ناپذیر که تا کنون از رهگذر تجاوزات وسیع و سازمان یافته آن کشور بر پیکر خونین میهن ما وارد گردیده است، در جنب استفاده از نبرد های سایکولوژیکی، فرهنگی و اقتصادی علیه دولت و مردم افغانستان، دوام و توسعه جنگ را در محراق سیاست خارجی علیه افغانستان قرار داده و با اقدامات ریاکارانه و کاذب مبنی بر همکاری بازوند اشتهی افغانها، فرمان توسعه جنگ را در افغانستان از محورهای متفاوت صادر نموده است. طراحان سیاست تداوم قتل و انسان کشی در افغانستان با سئو استفاده از ضعف ها و ناتوانی های اداره کابل و با تعقیب رویکرد اغوا و فریب، مقامهای کابل و حلقات معین بدیهه گور جز سرا که کماکان به وعده دروغین اسلام آباد دل بسته است، از ورای سه جبهه وارد کارزار افغانستان گردیده است:

الف- ایجاد جبهات جدید جنگ با اعزام گروه های تروریستی چند ملیتی از کشورهای مختلف جهان .

ب- گسترش همکاری های تسلیحاتی، اطلاعاتی، مالی و غیره به مخالفان مسلح بومی به عزم توسعه بحران در فصل جدید جنگ در افغانستان.

ج- راه اندازی سیاست تفرقه و تعصبات مذهبی، قومی و زبانی بوسیله گماشتگان اداره جاسوسی اسلام آباد در میان اقوام و ملیت های گوناگون ساکن در کشور که باتاسف در پیروزها نه تنها در میان اهالی بومی کم سواد و یا بی سواد ترویج می گردد، بلکه در میان نخبگان افغانی نیز اثرات ملموس و قابل توجه داشته است .

د- اخیر و خطرناکتر از همه اینکه ان کشور خود بطور صریح و آشکار به مداخلات مرزی اش با بمباردمان مناطق تحت حاکمیت کشور تشدید قابل ملاحظه بخشیده که هر روز بدون اینکه با عکس العمل متقابل مواجه گردد از مردم ما قربانی گرفته و حتی در داخل قلمرو افغانستان از قبیل هلمند، کنرها و پکتیکا به اعمار بارکها و پایگاه های نظامی مبادرت ورزیده است.

اسلام آباد بدادن وعده صلح و اخراج مخالفان مسلح افغانی از مکانهای امن انها در مناطق تحت حاکمیت ان کشور که در تناقض آشکار با اصل عدم مداخله و تجاوز و پرنسیپ حسن همجواری از سالهاست مورد حمایت ان کشور قرار داشته و دخالت ان کشور را در قضایای داخلی افغانستان مبرهنه میسازد، ادامه میدهد. اداره بدنام جاسوسی (ای-اس-ای) همین اکنون خشن ترین و بیشترین نوع از تجاوزات ظاهر ان مرئی خویش را در قالب اعزام ملیشها و نیروهای منظم از ارتش ان کشور بعزم راه اندازی عملیات مخفی و یا اجرای عملیات تحت پرچم دروغین به هدف به اصطلاح تسریع روند فروپاشی نظام سیاسی افغانستان در دور جدیدی از نبردهای نیابتی ان کشور شدت بخشیده است. همین اکنون هزاران نظامی پاکستانی و جواسیس شبکه اطلاعاتی ان کشور در جبهات مختلف در داخل قلمرو افغانستان بالباسه و تجهیزات طالبان و سایر مخالفان مسلح دولت افغانستان علیه رزمندگان و مدافعان دلیر کشور مصروف جنگ بوده که در کنار حمایت های گسترده و سخاوتمندانه سیاسی و نظامی از گروه های مسلح چندین ملیتی مزدور، سهم گیری مستقیم نظا میان اسلام آباد در جنگ، گستردگی تجاوز و عمق مداخلات اداره اسلام آباد را در امور داخلی کشور ما بوضوح به اثبات میرساند.

در زمینه میخوام وضاحت دهم که کاربرد اصطلاح عملیات تحت پرچم دروغین نظامیان پاکستانی در نبردهای خونین جاری در کشور ما ظاهر انما مفاهیم ناشی از اصطلاح عملیات پرچم دروغین که در ان رزمندگان دشمن با استفاده کاذب از درفش ملی، لباس، یونیفورم و تجهیزات طرف درگیر عملیات ضد خودی را انجام میدهند و بعد با صحنه ارائی دروغین مسوولیت تجاوز و جنایت جنگی را بدشمن نسبت میدهند، متفاوت به نظر رسیده زیرا شرکت وسیع نظامیان پاکستانی و جواسیس (ای-اس-ای) در جنگ تحمیلی کشور ما نه تحت پوشش لباس نظامیان ملی ما بلکه در لباس مخالفان مسلح بومی در همه جبهات جنگ حضور داشته و حتی جنرالان فوج ان کشور مسوولیت رهبری و انسجام امور جنگی را در پیش دارند و سعی مینمایند تا مخالفان مسلح و اجیران جنگی تحت حمایت شانرا در بخش از قلمرو افغانستان مسلط و با ایجاد حاکمیت غیر مشروع در بخش معین کشور و در کنار نظام کنونی، در راستای شناسائی یک ساختار مزدور تلاش نموده و به مشروعیت نظام کنونی خاتمه بخشند.

بایست تصریح نمود که هدف از نوشتن سطور چند در پیوند با ابعاد و گستره مداخلات و تجاوزات اسلام اباد در امور داخلی کشورمان باز نویسی و تکرار قضایای نیست که همگان در داخل کشور، منطقه و جهان از آن آگاهی دارند. بلکه تمرکز مجدد روی گذشته تاریخی عملکرد و اقدامات نظامیان مرتجع و اداره استخباراتی پاکستان که فرمان تجاوز و ویرانی کشور ما را در دست دارند، از جهتی درین مختصر مطرح نظر قرار میگیرد، که مقامات و مجریان سیاست در کابل چنان به وعده های دروغین حکومت و جواسیس اسلام آباد مبنی بر کمک در پروسه مذاکرات صلح شیفته گردیده است که گویا این همان کشوری نیست که از سالهاست در تخریب و ویرانیهای عظیم و غیر قابل تصور درین کشور دست داشته و آتش ناشی از همان مداخلات اشکار و مخفی آن کشور کماکان با ابعاد بیش از گذشته در افغانستان مشتعل است. اظهارات متناقض رهبران اسلام اباد در رابطه به حل مسأله امتیاز منطقه کشور که بیرون از مرزهای ملی ما طراحی و تعمیل میگردد، گواه برین حقیقت است که مجریان جنگ، ترور و وحشت در افغانستان به میکانیزم های مشروع حل مناقشات باور ندارند. چنانچه اظهارات غیر منطقی، غیر دیپلماتیک و مجراجویانه سرتاج عزیز مسؤول روابط خارجی در حکومت پاکستان که اخیراً بیان داشته که گویا آنها نمیتوانند دستور شرکت در مذاکرات صلح با کابل و ترک مخالفت مسلحانه را به طالبان صادر نمایند هکذا. اظهارات مولوی سمیع الحق رهبر جماعت اسلامی پاکستان که به تداوم جهاد و همکاری با طالبان میبایست -- مینماید از اهداف هوشمندانه دوجانبه اصلی قدرت (اطلاعاتی- مذهبی) در اسلام آباد حکایه دارد که باورهای مدعیان اثنی و مصالحه را از درس جنگ (اسلام آباد) منتفی نموده و به ترک مخاصمات و منازعات ازورای مذاکره و تفاهم سیاسی به نفع دوام جنگ و خونریزی در کشور بدون تردید نقطه فرجام میگذارد.

فلهذا درین برهه حساس تاریخی که دشمن به دوام جنگ و خونریزی در کشور ما اصرار می ورزد و می خواهند که منافع و اهداف خصمانه خود را که همانا واگذاری خاک و یا ایجاد نظام مزدور در کشور ما است، در میدان نبرد و با توسل بزور بدست آورد، انتظار آوردن صلح و باور داشتن به تعهدات و وعده های دروغین حامیان جنگ جزء یک اشتباه تاریخی بزرگ و بازتاب عدم درایت سیاسی سردمداران قدرت در کابل چیزی بیش نبوده لذا مردم رنج دیده کشور از نظام حاکم می خواهند تا با تغییر رویکردهای نادرست کنونی و اتخاذ سیاست مدبرانه گذار به دفاع قاطع از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان به دوام سیاست انتظار به وعده کاذب صلح به انانیکه جزء حرف زور به هیچ ادبیاتی عاری از خشونت باور ندارند، نقطه فرجام گذاشته و با رهای از اسارت تعهدات واهی و اغواگرانه حامیان جنگ، ترور و وحشت، درسنگرهای داغ و پرافتخار دفاع از افغانستان شتافته و با کاربرد حق دفاع مشروع در برابر عنصر تجاوز و پیام اوران وحشت و بربریت با مشارکت کلیه نیروهای ملی و وطنپرست و مدافعان دلیر وطن دامن مقدس وطن را از لوٹ گروه های مزدور و گماشتگان بیگانه پاک و مسؤولیت ملی و تاریخی خویش را در تأمین صلح و امنیت پایدار در کشور به انجام رسانند.